



یک تئاتر ویدئویی در مصر، مردم مصر سرگرمی تازه‌ای به جای پناه بردن به قهوه‌خانه‌ها یافته‌اند.

ویدیو در کشورهای جهان سوم

به آن خواهیم پرداخت، هرکسی می‌تواند با پرداخت مبلغی به عنوان اشتراک، از برنامه‌های تلویزیونی که در کابل‌های مشابه برق و تلفن جریان دارد، استفاده کند. اما ایران تنها کشور مورد هجوم ویدئو نیست، بلکه اغلب کشورهای جهان سوم دچار چنین مشکلی هستند و ظاهراً دولت‌هایشان نیز، سعی در کنترل پدیده ویدئو ندارند. از این رو گزارشی از تهاجم ویدئو در کشورهای جهان سوم گردآورده‌ایم که می‌تواند سرآغاز بحثی درباره وسایل ارتباط جمعی و تأثیرات اجتماعی آن باشد.

رواج روزافزون ویدئو در ایران باعث شده تا مسئولان و دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشور، به فکر تأسیس تلویزیون کابلی در ایران بیفتند. دکتر سیدمحمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در یک مصاحبه رادیویی اظهار داشت که طرح تلویزیون کابلی به سرورای امنیت ملی تقدیم شده و احتمال تصویب آن وجود دارد. به این ترتیب می‌توان شاهد برقراری کانال مناسبی برای سرگرم ساختن مردم بود و در عین حال از بی‌آمدهای اسفبار ویدئو، جلوگیری کرد. با استفاده از تلویزیون کابلی که در شماره‌های آینده گزارشی

می‌کند.

نشریه معتبر تایم جندی پیش به این پدیده در جهان سوم نگاهی بسیار گذرا اداخته است، که به هر حال می‌تواند پرده از فعالیت سازندگان دستگاه‌های ویدئو و تهیه‌کنندگان فیلم‌های به اصطلاح خانگی، بردارد.

از کشور پاکستان مسلمان نا کشورهای سبتا" پیشرفته‌ای مانند هندوستان،

دنیای امروز با توجه به فرهنگ و سلیقه‌های مختلف، پاسخ‌های گوناگونی به این پدیده می‌دهد. ویدئو در حالیکه در خدمت صنعت و پیشرفت جهان صنعتی درآمده، نقش کاملاً متفاوتی را در جهان سوم برعهده گرفته است. تخدیر افکار و انحراف ادهان به صورت کاملاً "برنامهریزی شده در جهان سوم به اجرا درآمده و عملاً" ویدئو نقش سرگرم‌سازی صرف را بازی

قرن بیستم را، قرن انفجار اطلاعات می‌نامند و در دهه هشتاد این قرن، بنیان اطلاعات‌رسانی، نهاده شد. بدون شک صنعت الکترونیک در این میان نقش مهم و اصلی را برعهده دارد و سیستم‌های انتقال صوت و تصویر، مانند ویدئو کاربرد -های متفاوتی یافته‌اند. اما جایگاه اصلی این ابزار کجاست و چگونه باید از آن استفاده کرد؟



برمه نیز از جمله کشورهای جهان سوم است که تحت نفوذ و تاثیر ویدئو قرار دارد.

ویدئو در دو وجه قانونی و غیرقانونی وجود دارد. مناسبانه دستگاه‌های ویدئو به صورت گسترده‌ای خرید و فروش می‌شوند و چون خود دستگاه نمی‌تواند به تنهایی جرم، یا ابزار مشکل‌آفرینی محسوب شود بنابراین دولت‌ها به هیچوجه نمی‌توانند استفاده از آنرا کلاً "زیر سؤال ببرند"، یا این که از خرید و فروش ویدئو جلوگیری کنند.

در حالی که دستگاه‌های ویدئو می‌توانند نقش مهمی در آموزش و ترویج کشاورزی و بهداشت داشته باشند، به همان نسبت هم می‌توانند یک اجتماع سالم را به کلی دگرگون و تخریب کنند. برخی از همین کشورها نیز با تولید و تکثیر فیلم‌های خشونت‌آمیز که مملو از صحنه‌های فریبنده و اغواکننده کانگ‌فو است، در بازار ویدئو نقش مهمی دارند. هنگ‌کنگ یکی از این کشورهاست، که در سال‌های اخیر توانسته است بازار فیلم‌های خشونت‌بار را از آن خود کند. این فعالیت‌ها به جایی رسید که حتی کشورهای صاحب سینما نیز مفتون بازار پرجاذبه این نوع فیلم‌ها شده‌اند، و با سرمایه‌گذاری بسیار سنگین سعی می‌کنند در پس‌کاری سود آور، اهداف سیاسی - اجتماعی مسئولان رده بالای کشورشان را در قالب فیلم‌های ویدئو، به چشمان حریص و زودباور مردم جهان سوم، عرضه کنند.

ویدئو در جهان سوم، تقریباً "به همه‌جایه یافته و عملاً" می‌توان از کشورهای غرب‌گرا تا کمونیست مانند کوبا و ویتنام، دستگاه‌های مختلف ویدئوهای خانگی را مشاهده کرد. دستگاه‌های ویدئو در اصل برای مقاصد صنعتی و حرفه‌ای ساخته شد، اما عرضه ویدئوهای خانگی از سوی شرکت‌هایی مانند ماتسوشیتای ژاپن باعث شد تا این دستگاه‌ها به خانه‌ها نیز راه یابند.

نوارهای ویدئو به اندازه یک کتاب جیبی هستند و به راحتی می‌توان آنها را به صورت مخفیانه حمل یا این که نسخه‌های متعددی تهیه کرد. در عین حال نوارهای ویدئو هر روز کوچکتر می‌شوند و به این ترتیب کنترل آنها مشکل‌تر خواهد شد.

ویدئو در اصل به عنوان دریچه‌ای به جهان و مکمل برنامه‌های تلویزیونی

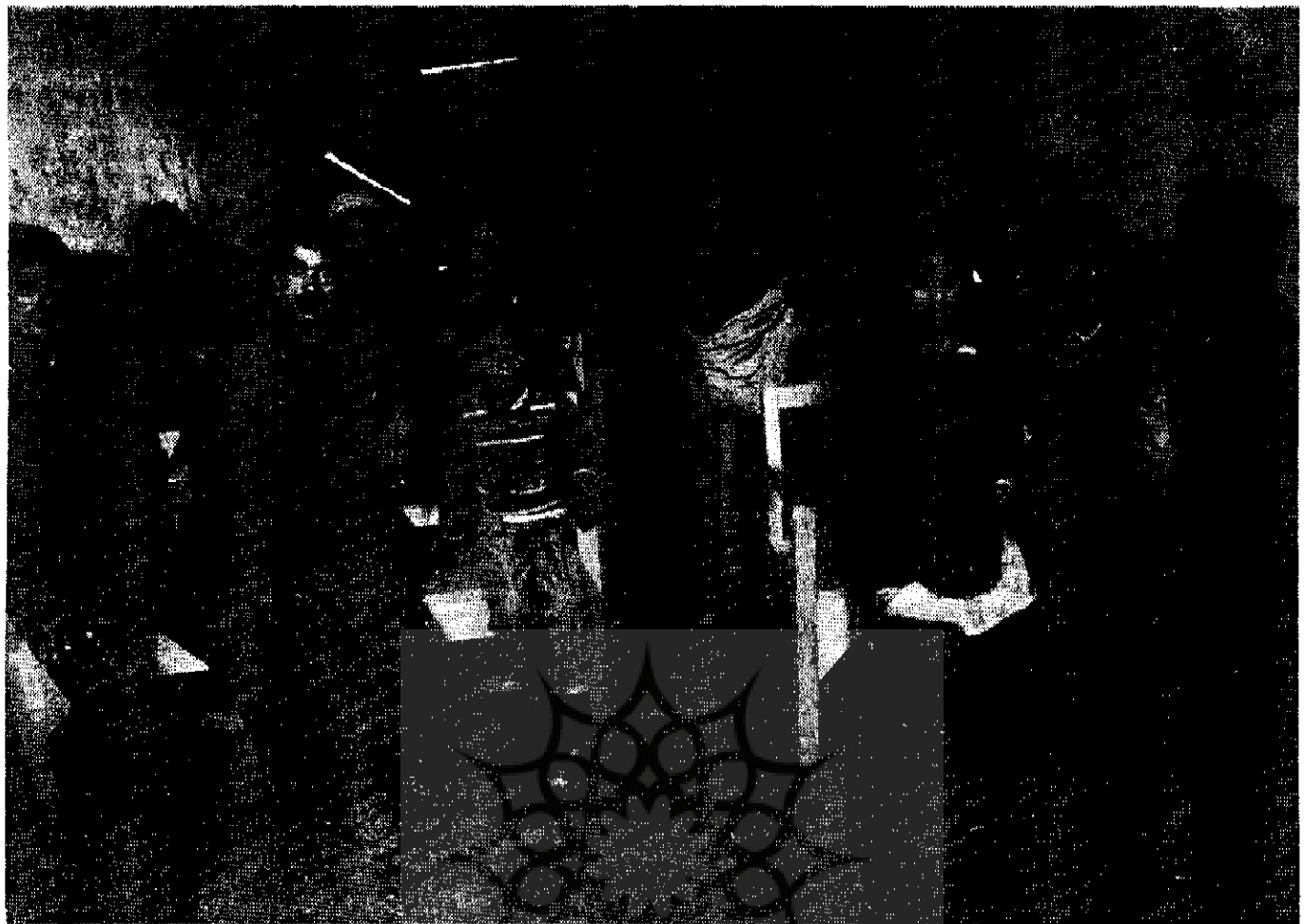
است، اما در کشورهایی که برنامه‌های تلویزیونی از چندان جاذبه‌ای برخوردار نیستند، ویدئو به جای مکمل، جایگزین تلویزیون می‌شود. در حالی که دستگاه‌های ویدئو در کشورهای غربی بسیار محدود به کار گرفته می‌شوند و در حقیقت تلاش اصلی سازندگان این دستگاه‌ها، نفوذ به کشورهای جهان سوم است.

به عقیده مارسال مک‌لوهان، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز ارتباطات، دنیا به صورت دهکده‌ای کوچک در خواهد آمد و این صنعت الکترونیک است که فاصله‌ها را کم‌تر می‌کند. بدون شک ویدئو در این میان نقش مهمی برعهده خواهد داشت و در معادلات رسانه‌ها، نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد، اما بسیاری از جامعه‌شناسان این دستگاه‌های کوچک الکترونیک را مانند اسلحه می‌دانند که هم می‌تواند باعث قدرت انسان در برابر جهل شود و هم این که سرانجام صاحبش را از پای در آورد. ویدئو در جهان سوم، مصداق دوم را به صورت عینی‌تر و ملموس‌تری یافته و عملاً "باید آنرا سلاحی بر علیه بینندگان به حساب آورد.

ویدئو توانسته است معنی و تعبیر

تازه‌ای در جهان سوم به دست آورد. به عنوان مثال مبارزان مسلمان افغانی از دوربین‌های ویدئو برای تصویربرداری از موانع دشمن استفاده می‌کنند و در فرصت مناسب، نوارهای ضبط شده را مورد تجزیه و تحلیل فرار می‌دهند. هنگامی که ویدئو -های خانگی در دهه ۱۹۷۰ معرفی و عرضه شدند، بهای آنها بسیار زیاد بود و کمتر کسی می‌توانست مالک یکی از آنها باشد. هم‌اکنون بهترین دستگاه‌های ویدئو حدود ۴۰۰ دلار قیمت دارند و حتی می‌توان انواع ساده‌ای از آنها را به بهای ۱۰۰ دلار تهیه کرد. طبیعی است که سیر نزولی بهای ویدئو نیز توانسته است تا حد زیادی در فروش سرسام‌آور آن یا به تعبیر نشریه تایم، انفجار ویدئو موثر باشد. در این حال هنوز قدرت خرید بسیار محدود و اندک مردم بسیاری کشورها این اجازه را نمی‌دهد که افراد زیادی صاحب یک دستگاه ویدئو شخصی باشند. به همین دلیل مراکزی مانند سینماها به وجود آمده‌اند که فیلم‌های ویدئویی نمایش می‌دهند.

برای خریداران ویدئو در جهان سوم تملک یک دستگاه ویدئو کافی به نظر می‌رسد



برای مردم فقیر یا غنی هیمالیا هیچ تفاوتی نمی‌کند که از دستگاه ویدئو چه چیزی بخرش می‌شود.



مجاهدین مسلمان افغانی از ویدئو برای امور نظامی بهره می‌برند.

و فتوکپی به عنوان وسایل خطرناک و غیرقانونی به شمار می‌آیندند. پس از این تحولات، ویدئو سریع‌تر از فتوکپی رواج یافت و در خانه‌ها پیدا شد. هم‌اکنون دولت شوروی با مشکل بزرگی روبرو شده و آن تهاجم همه‌جانبه به فرهنگ قدیمی و ریشه‌دارش است. بقیه دولت‌های اروپای شرقی نیز مشکل مشابهی دارند، اما در حال حاضر نمی‌توان ابعاد این تهاجم فرهنگی را درک کرد.

اغلب مردم جهان سوم ساده‌اندیش و زودباور هستند. در هندوستان ۶۳ درصد از جمعیت ۸۰۰ میلیون نفری آن، بی‌سوادند ولی همین عده به‌حای استفاده از کلاس‌های درس تلویزیونی، ترجیح می‌دهند که پای فیلم‌های ویدئویی بنشینند و رفتار و کردارشان را با این وسایل هم‌سو کنند. در حقیقت دستگاه‌های ویدئو در جهان سوم، به صورت ابزارهای شست‌و‌شوئی مغزی درآمده‌اند و ظاهراً "کسی نمی‌تواند سدی در مقابل نفوذ روزافزون آن باشد."

چون مراکز بسیار زیادی برای کرایه نوارهای پرشده در اغلب این کشورها، به وجود آمده‌اند. در حقیقت اربابان ویدئو سعی دارند تا با نازلترین بها و کمترین هزینه و بودجه، مردم را گرفتار و معتاد دستگاه‌های ویدئو کنند.

در سال ۱۹۸۳، کشور بنگلادش فقط دو مرکز کرایه نوارهای ویدئو داشت، در حالی که هم‌اکنون حدود ۴ هزار مرکز در بنگلادش فعال شده‌اند. این رقم در هندوستان به ۱۰۰ هزار مرکز می‌رسد و موضوع جایی به نهایت اسفباری می‌رسد که مردم این کشورها بخش مهمی از قوت لایموت خود را برای دیدن فیلم‌های ویدئویی، هزینه می‌کنند. این در حالی است که فقط ۱۵ درصد از فیلم‌های ارائه شده در این مراکز، به تعبیر دولت‌مردانشان محاز و قابل نمایش عمومی هستند. این نوع فیلم‌ها، عملاً "به صورت غیرقانونی و خارج از مقررات حق انتشار و تکثیر انحصاری، پخش می‌شوند."

تا قبل از تحولات اروپای شرقی، عملاً "دو وسیله یعنی دستگاه‌های ویدئو